

## جستاری در کتاب «العشرة» کافی و جایگاه آن در هندسه ادب رفتاری

سید محمد تقی شوشتری<sup>۱</sup>

چکیده: کتاب «العشرة» با ۳۰ باب و ۲۰۵ حدیث تنها کتابی است که به صورت مستقل در میان فصول کافی که از دیرپاترین تراث حدیثی شیعه به شمار می آید. به مباحث آداب، اخلاق معاشرت، و پی جویی آنها در آموزه های دینی در دو ساحت اخلاق درون شخصی و اخلاق برون شخصی و رابطه اشتدادی میان آنها پرداخته است، گرچه کلینی از ذکر موضوعات اخلاق نظری و عملی در ضمن دیگر کتب کافی دریغ نورزیده است. مجموع ابواب ارائه شده در این فصل، نمایی واقع بینانه از سیر تحول آدمی و وصول وی به انسان مطلوب را نشان می دهد. چینش و تنظیم منطقی ابواب در این فصل، وجه تمایز آن از دیگر آثاری است که در این حوزه و در آن دوران چهره گشوده است.

این مقاله می کوشد با سنجه تحلیلی و با رویکرد بازشناختی و دیده ورانه، افزون بر پرداختن به مباحث پیرامونی و لایه های مختلف این کتاب از قبیل تکرار عناوین باب ها، طبقه بندی ابواب، باب های النادر و النوادر، کند و کاو سندی، متن کاوی، منابع روایات و تبیین جایگاه آن در هندسه «ادب رفتاری» و هم سوایی و سازواری برخی از عناوین آن با جوامع حدیثی متقدم عامه، نگاه کلینی به مقوله ایستارها و رفتارها و تاثیر پذیری وی از جریان ادب در سده های آغازین را به تصویر کشد.

واژگان کلیدی: کتاب العشرة، کلینی، ادب، روابط اجتماعی، کافی (کتاب).

\* دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۳۰؛ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۰.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم (ع)؛ استادیار؛ Mohammadshostare.1398@gmail.com -

تلفن: ۰۹۱۵۱۱۰۰۴۷۳

## ۱. مقدمه و بیان مسئله

«الکافی» از کهن‌ترین و موثق‌ترین جوامع حدیثی شیعه به‌شمار می‌آید و مؤلف آن از معدود شخصیت‌هایی است که فریقین او را ستوده‌اند. شروحنی که فقیهان، فیلسوفان، محدثان و دیگران بر این کتاب نوشته‌اند، حاکی از سترگی و مکانت این اثر جاودانه است. دین همواره بیش از آن که وابسته به حوزه آگاهی انسان باشد، ناظر بر موضوع عملی اوست. اگر بر آگاهی نیز تأکید می‌شود، صرفاً به منظور انعکاس آن در حیطة اعمال و رفتار آدمی است. روح فرهنگ دینی ما بر پایه «ارتباط» استوار است. جلوه‌های این فرهنگ بالنده در دستورالعمل‌های اخلاقی اسلام چهره بسته است. کلینی با پیروی از این نگرش، نگارش فصلی از کتاب الکافی را با عنوان «العشرة» با هدف بیان چگونگی اثرگذاری روابط اجتماعی در تعالی فرد و جامعه و با روش مقدم نمودن ویژگی‌های مثبت بر خصوصیات منفی و موانع رشد آدمی، وجهه همت خود قرار داد و آن را در زمره فصول کتاب خود گنجانید.

حجم و فراوانی روایات این فصل نسبت به برخی دیگر از فصل‌های کافی، مثل کتاب: «العقل والجهل» و کتاب «فضل القرآن» - علی‌رغم بسط و سعه روایات صحیح برای این دو فصل - بیانگر اهمیتی است که وی برای ادب و رفتار و در برنمودن ناپیداهای آن قائل است.

با مروری گذرا در ابواب و روایات این کتاب درمی‌یابیم که «حسن فاعلی» رکن برجسته هرگنشی اختیاری در مناسبات زندگی فردی و اجتماعی از منظر کلینی و از دغدغه‌های جدی او به حساب می‌آمده است.

تاکنون به‌طور خاص - تا آنجا که راقم این سطور می‌داند - تتبع و پژوهشی به‌صورت مستقل پیرامون کتاب «العشرة» صورت نپذیرفته است، گرچه سازمان پژوهشی دراز دامن درنگیستن بیشتری است که از بضاعت صاحب این خامه به دور است.

آنچه بر قلم رفته و این تحقیق بر اساس آن سامان یافته، تبیینی است از لونی دیگر، آن‌هم در پرتو داده‌های موجود در خود کتاب و با تأمل و ایستایی بیشتر در سند و متن، با هدف رونق‌مندی و توجه‌دادن به ساحت فراخ آداب، اخلاقیات و معاشرت اجتماعی.

## ۲. کتاب «العشرة» در یک نگاه

«عشره» مصدر ثلاثی مجرد است که به معنای معاشرت، روابط دوستانه، ارتباط اجتماعی و... (صفی پور، ۱۳۸۸، ص ۴۵) آمده است. کتاب «العشرة» عنوان آخرین کتاب از کتب هشت‌گانه اصول کافی است که مشتمل بر ۳۰ باب است و نسبت به کل باب‌های اصول - که ۴۹۹ باب می‌باشد - نسبتی حدود ۱۶/۶ درصد را به خود اختصاص می‌دهد. شیخ طوسی این کتاب را در مجموعه کتب اصول، نیاورده است. (الطوسی، بی‌تا، ص ۱۳۵) و نجاشی آن را بیست و یکمین کتاب در ترتیب کتب کافی پس از کتاب «الجنائز» و پیش از کتاب «الدعاء» آورده است. (نجاشی، بی‌تا، ص ۳۷۷)

۲۰۴ حدیث به اضافه یک حدیث ضمنی که حدیث دوم باب «العطاس و التسمیت» است، مجموعه احادیث این کتاب را در برمی‌گیرد که نسبت به کل احادیث اصول - که ۳۷۸۶ روایت است - حدود ۱۸/۵ درصد را به خود اختصاص می‌دهد. برخلاف سایر کتب کافی، حدیث غیر مرقمه (شمارش نشده) در این کتاب وجود ندارد. باب «العطاس و التسمیت» با ۲۷ حدیث، بیشترین و باب‌های «التسليم على النساء» و «حق الداخل» هر کدام با یک حدیث، کمترین حدیث را داراست.

این کتاب، پس از کتاب «فضل القرآن» و «فضل العلم»، کمترین باب؛ و پس از کتاب‌های «العقل و الجهل» و «فضل العلم»، کمترین تعداد روایات را واجد است. بیشترین روایات این کتاب با ۱۳۴ روایت از امام صادق علیه السلام و کمترین آنها با یک روایت از امام سجاد علیه السلام است. در یک روایت از امام ۴؟ با عنوان «العالم» یاد می‌کند. اطلاق «عشره» بر کتابی که مشتمل بر برخی از آداب و سنن و موضوعات اخلاقی باشد، اولین بار توسط کلینی صورت پذیرفته است و در تک‌نگاری‌ها و جوامع روایی پیشینیان، اعم از عامه و خاصه، به کار نرفته است. انتساب کتابی با نام «العشرة» را «لوکنت» جزء آثار مشکوک ابن قتیبه دینوری (م ۲۷۶) که قبل از کلینی می‌زیسته، به‌شمار آورده است. (فلاح، ۱۴۰۲ ش، ص ۱۹۲)

عناوین برخی از باب‌ها، برگرفته از مضمون روایات آنها است، مثل باب حسن المعاشره و... چنانکه عناوین برخی دیگر عیناً از الفاظ روایات یا از تمامی روایت اخذ شده است،

به سان باب «التسلیم» و «باب المجالس بالامانه».

باب ۲۹ عنوان ندارد که به عبارت «باب» اکتفا شده و مربوط به آداب کتابت است. به نظر می‌رسد کلینی پس از جمع‌آوری احادیث این باب، قصد عنوان‌گذاری آن را داشته که فراموش کرده یا ناسخان از قلم انداخته‌اند.

محمد صالح مازندرانی (م ۱۰۸۱) بر همه ابواب کتاب العشرة، حسینی عاملی (زنده در ۱۰۶۰) و محمد امین استرآبادی (م ۱۰۳۶) بر پاره‌ای از احادیث این کتاب شرح‌نگاره‌ای دارند. محمد باقر مجلسی شرح کتاب‌های «العشرة»، خمس و زکات و نیمی از کتاب‌های دعا و صلاه را به دلیلی که مشخص نیست، در «مرآة العقول» ناتمام گذاشت؛ اما به دامادش محمد صالح خاتون‌آبادی وصیت کرد تا کار را به اتمام رساند.

### ۳. جایگاه کتاب «العشرة» در میان کتب اصول کافی

مقوله اخلاق و ادب در نزد کلینی، از اصول و مبانی به‌شمار می‌آید. اگر اصل را دارای ماهیتی هنجاری و ناظر به باید‌ها بشماریم و مبنا را که منشأ اشتقاق اصل است و ماهیتی کاملاً توصیفی دارد، ناظر به هست‌ها بدانیم (شریعت‌مداری، ۱۳۶۷، ص ۳۴) و منبع کشف و اخذ اصول را همان تصریحات موجود در آموزه‌های وحیانی قلمداد کنیم؛ باید گفت اصل در منظومه فکری کلینی به هر آموزه یا حالتی اطلاق می‌شود که نقش پایه‌ای و بنیادین در سیر تکاملی آدمی دارد و برگرفته از تعالیم دینی باشد. بدین روی، او کتاب «العشرة» را در عداد کتب اصول جای داده است.

دو کتاب آغازین کافی یعنی «العقل و الجهل» و «فضل العلم»، مبتنی بر روش‌اناطه یا توقّف اند؛ یعنی مقدمه‌ای برای دیگر گزاره‌ها هستند. سه کتاب پایانی: «الدعاء»، «فضل القرآن» و «العشرة» که پس از مهم‌ترین موضوعات به بیان آنها پرداخته شده است؛ به ترتیب، نشانگر ارتباط انسان با خداوند (اخلاق قدسی)، ارتباط خداوند با انسان (اخلاق درون شخصی)، ارتباط انسان با انسان (اخلاق بین شخصی) هستند.

### ۴. تکرار عناوین و روایات کتاب «العشرة»

تکرار عناوین باب‌ها و روایات، لازمه مجموعه‌هایی است که به تبویب موضوعی

روایات پرداخته‌اند. کتاب کافی از این اصل مستثنا نیست. تکرار در عناوین به دو صورت در کتاب «العشرة» خودنمایی می‌کند:

الف: تکرار برخی از عناوین باب‌های این کتاب در دیگر کتب کافی، مثل تکرار باب «التسليم على النساء» در «کتاب العشرة» با همان عنوان در کتاب «النکاح».  
ب: تکرار مضمون برخی از عناوین باب‌ها با اختلاف در الفاظ مانند باب «وجوب اجلال ذی الشیبة المسلم»، در کتاب العشرة، با باب «اجلال الکبیر» در کتاب «الایمان و الکفر».

تکرار احادیث کتاب العشرة که بیشترین آنها در کتاب «الایمان و الکفر» بوده نیز به چند صورت آمده است:

الف: تکرار با همان سند و متن در دیگر ابواب کتاب العشرة، مثل حدیث اول باب «حسن المعاشره» با حدیث دوم باب «حسن الصحابة و حقّ الصاحب فی السفر».  
ب: تکرار تمامی متن و سند در دیگر کتب اصول مانند روایت دهم باب «من تکره مجالسته و مرافقته» با حدیث سوم باب «مجالسة اهل المعاصی» در کتاب «الایمان و الکفر».

ج: تکرار متن و سند با روایات ابواب کتب فروع مانند: روایت باب «التسليم على النساء» با روایت اول همین باب در کتاب «النکاح».

د: تکرار بخشی از متن با همان سند در کتاب «العشرة» مثل تکرار بخشی از متن حدیث دوم باب حسن المعاشره با حدیث یازدهم باب «حق الجوار».

ه: تکرار بخشی از متن و اختلاف در سند در کتاب «العشرة» مثل حدیث دوم باب «التکاتب» که بخشی از آن در حدیث هشتم از باب «التسليم» آمده است، اما سند آن متفاوت است.

و: تکرار بخشی از متن با سند واحد در دو کتاب متفاوت؛ مانند حدیث هفتم باب «الدعابة و الضحک» که قسمتی از آن تمامی حدیث پنجم باب «الذنوب» کتاب «الایمان و الکفر» را شکل می‌دهد، بدون این که در سند آن اختلافی پدیدار باشد.

ز: تکرار قسمتی از متن با تفاوت در سند در دو کتاب متفاوت، مثل: حدیث اول باب «اکرام الکریم» که بخشی از آن با حدیث سوم باب «کراهیه ردّ الطیب» در کتاب «الزی و التجمال و المروءه» مشترک و سند هر دو مختلف است.

### ۵. طبقه‌بندی ابواب و پراکندگی در چینش برخی از آنها

طبقه‌بندی ابواب کتاب «العشرة» همچون دیگر ابواب کتب کافی مبتنی بر پاسخ‌گویی به مباحث مطرح و مورد نیاز در عصر کلینی بوده است. اولویت‌های عصری و نیازهای زمانه وی در صورت‌بندی ابواب، مدخلیت داشته است. به مثل، لزوم معاشرت و حسن معاشرت، نسبت به مقوله تکاتب و نامه‌نگاری و آداب آن برای کلینی در درجه اول از اهمیت قرار داشته است.

لذا موضوع معاشرت و مباحث پیرامونی آن را در باب‌های اول کتاب «العشرة» گنجانیده است. صاحب «الکافی» می‌کوشد ابواب هم مضمون در کتاب «العشرة» را به دنبال هم ذکر کند.

وی باب‌های مربوط به «سلام کردن» را در پی هم آورده است. اما در برخی از باب‌های هم سو، نوعی پراکندگی قابل مشاهده است. به عنوان نمونه باب‌های مربوط به نامه‌نگاری باید در یک ردیف ذکر می‌شد.

باب «مکاتبة اهل الذمه» که باب ۱۲ این کتاب است، باید به دنبال باب‌های ۲۷، ۲۹ و ۳۰ جای می‌گرفت؛ یا باب «حسن الصحابة و حق الصحاح فی السفر» باید بعد از باب سوم یعنی باب «من یجب مصادقته و مصاحبتته» بیان می‌شد با این که آن را باب ۲۶ قرار داده است.

چینش ابواب در کتاب «العشرة» چونان دیگر کتب اصول کافی به شیوه درختی از کل به جزء یا از اصل به فرع تنظیم گردیده است که در پس این ترتیب، اندیشه‌ای بسامان را می‌یابیم. اما باید اذعان کرد که در کنار این حسن ستودنی گاهی با توجه به شرایط و مقتضیات آن دوره‌ها، در قالب یک نگاشته تمام عیار اندام‌وار مواجه نیستیم. همچنان که چرایی نوسان در کمیت روایات هر باب بر ما نامعلوم است، باب‌هایی از ۱ تا ۲۷ حدیث.

## ۶. باب‌های: «نادر» و «النوادر» در کتاب «العشرة»

کتاب «العشرة» در میان کتب هشت‌گانه اصول کافی تنها کتابی است که مشتمل بر دو باب «نادر» (باب ۱۴) و «النوادر» (باب ۲۸) است.

باب «نادر» کتاب «العشرة» که در میانه باب‌های سی‌گانه این کتاب قرار گرفته، پنج حدیث دارد. حدیث پنجم نسبت به حدیث اول، فقط یک کلمه افزوده دارد. به عبارت دیگر این باب، فاقد احادیث متفرقه از حیث محتوا و مضمون است. مفهوم و مدلول این روایات، چگونگی فهم کسی است که ما را دوست دارد یا ما کسی را دوست می‌داریم.

در دو روایت آغازین، فراز «انظر الی قلبک» خودنمایی می‌کند. حدیث سوم این باب که از ابوبکر حوال نقل شده، تنها حدیثی است که در کل کافی از وی روایت شده است. گرچه رجالیان درباره او سخنی نگفته‌اند، اما دیگر احادیث این باب، گواه بر صحت این روایت می‌تواند بود. (العمیدی الحسینی، ۱۳۸۷، ص ۲۱۹)

باب «نوادر» این کتاب هفت حدیث دارد. روایت اول بیانگر سلوک پیامبر ﷺ در مواجهه و جلوس با اصحاب خود، روایت دوم و سوم نحوه مخاطب قرار دادن شخص در حضور و غیاب، بخشی از حدیث چهارم مرتبط با آداب رویارویی با مصاحب و حدیث پنجم و ششم بیان حدود و حریم دوستی است. حدیث هفتم را که آزمون دوستان است، با تساهل می‌توان به احادیث باب «نادر» ملحق کرد؛ چون اختبار ایشان در این روایت، به سلوک دینی آنان است نه رجوع به قلب.

ظاهراً مرحوم کلینی انگیزه و هدفی را در قراردادن باب نادر و نوادر در کتاب‌های خود دنبال می‌کرده، که از دید ما پنهان است.

البته در کتاب «الحجه» دو باب وجود دارد با عناوین: «باب نادر فی حال الغیبه» و «باب نادر فی ذکر الغیبه». لذا محتمل است که مرحوم کلینی قصد داشته برای باب نادر کتاب «العشرة» عنوانی بیاورد و آن را به سان دو باب مزبور، مقید و معنون کند که به علت فراموشی یا عوامل دیگر، این کار انجام نپذیرفته است.

## ۷. منابع روایات کتاب «العشرة»

کلینی به جز مواردی بسیار اندک، در هیچ جای کتاب ارزشمند خود، به منابعی که در تألیف کتاب از آنها سود جسته اشاره‌ای نکرده است. نیز با توجه به ساختار سندی آن، به وضوح نمی‌توان مصادر کتاب وی را شناسایی کرد. اما با توجه به قرینگی می‌توان مأخذی را برای روایت کتاب «العشرة» برشمرد.

شاید شباهت بسیار بین ترتیب احادیث در دو کتاب، از قرائن کشف منابع به‌شمار آید و ذکر مؤلفان کتب و اصول در اسناد، بتواند اماره‌ای برای شناخت مصادر باشد. الجعفریات یا الاشعثیات نوشته ابن اشعث که از موسی بن اسماعیل بن موسی بن جعفر رضی الله عنه روایت کرده و از اصول اربعمائه محسوب می‌شود، کتاب «الزهد» نوشته حسین بن سعید اهوازی و... را باید از منابع موجود کتاب العشرة به‌شمار آورد. در زمینه منابع مفقود می‌توان دو قسم را تصور کرد:

الف: از کتب اساتید خود روایات را أخذ می‌کند. به عنوان نمونه: روایات ۳۷۷۲، ۳۷۶۱، ۳۷۵۶ و... را از «علی بن ابراهیم»، احادیث ۳۶۹۸، ۳۶۹۴، ۳۶۹۱ و... را از «محمد بن یحیی» روایت می‌کند.

در مواردی که «محمد بن یحیی عن احمد بن محمد بن عیسی» در اسناد پیاپی واقع شده باشد، علی‌الظاهر کتاب احمد بن محمد بن عیسی یا از کتاب محمد بن یحیی و وی از کتاب احمد بن محمد بن عیسی اخذ کرده است، مثل روایات رقم ۳۶۴۱، ۳۶۵۹ و ۳۶۳۰. (قنبری، ۱۳۸۷، ص ۳۲۶)

ب: بخشی از روایات کتاب العشرة را از کتب غیر اساتید خود روایت می‌کند. به عنوان مثال، از کتاب‌های موجود و مفقود محاسن نوشته احمد بن محمد بن خالد برقی فراوان اخذ حدیث کرده است. از نوادر احمد بن محمد بن عیسی، «النوادر» نوشته سهل بن زیاد آدمی و... نیز روایت می‌کند.

## ۸. تحلیل سندی روایات کتاب «العشرة»

در کتاب العشرة مانند سایر کتب کافی، سند از ویژگی‌هایی برخوردار است، مانند:

تعلیق، اضممار، اشاره، تحویل، ذکر طرق مختلف برای یک روایت و.... در کتاب العشرة هیچ روایتی از غیر معصوم نقل نشده است. در سند ۵۲ روایت از این کتاب، «عده من اصحابنا» به کار برده شده که همه آنها عده‌های شناخته شده‌اند. ۱۳ روایت از «احمد بن محمد بن عیسی»، ۲۵ روایت از «احمد بن محمد بن خالد برقی» و ۱۴ روایت از «سهل بن زیاد آدمی».

۶ حدیث به صورت مرفوع، ۸ روایت مضموم و ۴ حدیث با عبارت «بهذا الاسناد» به کار رفته است. این ترکیب معمولاً در جایی به کار می‌رود که نام پس از این عنوان، در سند قبل به کار رفته باشد. ۴ روایت از مجموع ۲۰۵ روایت ثلاثیات است. سند روایت ۳۷۰۱ به «عن رجل من العامة» می‌رسد. در سند ۱۳ حدیث نحوه تحمل آن با عنوان «سمعت» آمده است. در ۲۶ سند روایات این کتاب، «احمد بن محمد» که از مشایخ کلینی است، ذکر شده و از آنجا که مقید نشده، منظور «احمد بن محمد عاصمی» است.

## ۹. کتاب «العشرة» و کتب و ابواب هم مضمون آن در جوامع روایی عامه

مباحث مربوط به حوزه آداب، سنن و اخلاق، قبل از «کافی» در دیگر جوامع روایی عامه به ویژه سنن دارمی و برخی از کتب سته وجود دارد. اما دو ویژگی کافی را متمایز می‌کند: ۱- کلینی برخلاف جوامع حدیثی اهل سنت، مباحث مربوط به اخلاق عملی و نظری را افزون بر ذکر روایات مربوط در لابه لای دیگر کتب - اعم از اصول و فروع و روضه - به صورت مستقل تحت عنوان «العشرة» در شمار کتب اصول قرار داده و قبل از پرداختن به مباحث فروع بدانها پرداخته است.

۲- تبویب، تنظیم و به سامان بودن نسبی ابواب و عناوین آن، مشخصه دیگری است که بر کتاب «العشرة»، به سان دیگر کتب فی الجمله سایه انداخته است.

اهتمام کلینی بر آن بوده که احادیث مربوط به یک موضوع را تحت عنوان مناسب با آن ذکر کند؛ مثلاً احادیث مربوط به «سلام کردن» تحت عنوان باب «التسلیم» مندرج است؛ یا سلام به زنان را تحت عنوان مستقلی آورده است، اما موضوع «سلام» در صحیح بخاری در دو کتاب «الایمان» و کتاب «الاستئذان» باب «افشاء السلام» ذکر شده است.

کتاب سته در سال‌های میانی ۲۵۰ تا ۳۰۰ هجری تألیف و به مرور رواج یافته است و نمونه‌هایی از تداول آن کتب - به جز سنن ابن ماجه - در همان سال‌های آغازین تألیف در بوم‌های مختلف توسط محرران به ثبت رسیده است، لذا به نظر می‌رسد کلینی نیم‌نگاهی به این جوامع داشته است. حتی اقتباس عناوین برخی از باب‌ها از جوامع مزبور توسط وی محتمل به نظر می‌رسد. مثل باب «المجالس بالامانه» از باب «ما جاء انّ المجالس بالامانه» سنن ترمذی یا باب «التسليم على النساء» از باب «فی التسليم على النساء» سنن دارمی.

موضوعات و عناوینی از قبیل «تسليم»، «عطاس و تسمیت»، «حق الجوار»، «مصافحه»، «احتباء و اتكاء»، «مناجات»، «مزاح» و... که از ابواب برجسته کتاب «العشرة» می‌باشند؛ متناظر با ابواب برخی از جوامع روایی عامه هستند که در جدول ذیل به بعضی از آنها اشاره می‌شود.

#### نمونه‌هایی از ابواب هم‌مضمون کتاب العشرة با جوامع روایی عامه

سنن دارمی کتاب الاستیذان	صحیح بخاری کتاب الادب کتاب الاستیذان	صحیح مسلم کتاب السلام، کتاب الايمان، کتاب الآداب	سنن ترمذی ابواب الاستیذان	اصول کافی کتاب العشرة
باب فی التسليم الراكب على الماشی	باب تسليم القليل على الكثير/ باب تسليم الراكب على الماشی/ باب تسليم الصغير على الكبير	باب تسليم الراكب على الماشی و القليل على الكثير	ما جاء فی تسليم الراكب على الماشی	باب من يَجِبُ أن يبدء بالسلام
باب التسليم على النساء	باب تسليم الرجال على النساء و النساء على الرجال	--	ما جاء فی تسليم على النساء	باب التسليم على النساء
باب فی ردّ السلام على اهل الكتاب	كيف الرد على اهل الذمه بالسلام	باب النهی عن ابتداء اهل الكتاب بالسلام و كيف يرد عليهم	ما جاء فی تسليم على اهل الذمه	باب التسليم على اهل الملل

باب اذا عطس الرجل ما يقول/ باب كيف يشمت العطاس	باب اذا اعطس كيف يشمت	باب تشميت العاطس و كراهة التثاؤب	ما جاء في تسميت العاطس/ ما جاء في ايجاب التشميت بحمد العاطس ما جاء ان الله يحب العاطس و يكره التثاؤب ما جاء كيف تسميت العاطس	باب العطاس و التسميت
--	--------------------------	--	---	-------------------------

### ۱۰. اثرپذیری کلینی از گفتمان «ادب» در کتاب «العشرة»

در سده‌های آغازین هجری که گفتار و رفتار پیامبر ﷺ و امامان علیهم السلام در جوامع روایی به سلک نوشتار درآمد و در مجموعه‌های بزرگتری به کمال رسید، الگوهایی فراروی همگان قرار گرفت که بر اساس آن مسلمانان توانستند؛ افزون بر سامان بخشی روابط بین خود و خداوند، شیوه درست زندگی فردی و اجتماعی را برای خود رقم زنند. از این تراث ارجمند، آثاری با عنوان کلی «ادب» برکشید که به سلوک و آداب رفتاری، توصیه‌های اخلاقی و اجتماعی می‌پردازد.

در قرن سوم هجری وسعت معنایی «ادب» با گسترشی ژرف پدیدار شد. اخلاق، رفتار فردی، رفتار اجتماعی، زبان دانی، شعرشناسی و... در این لایه معنایی قرار می‌گرفتند. در واقع قرن سوم هجری، قرن بالندگی ادب به حساب می‌آمد. البته در قرن دوم، «عبد الحمید بن یحیی (م ۱۳۲م)» و «ابن مقفع (م ۱۴۲م)» - که کاربرد «ادب» در آثارش بیش از «اخلاق» است - به ادب اخلاقی اهتمام ورزیدند؛ و از نیمه دوم همین سده عنوان «زهد» برای گردآوری احادیث و اخبار مربوط به مباحث اخلاق و تربیت نفس در نزد محدثان رایج بود؛ اما از اوایل سده سوم قمری تألیف آثاری به عنوان ادب، آهنگی پرشتاب به خود گرفت.

در همان قرن، تک‌نگاشته‌هایی از اصحاب امامان علیهم السلام در حوزه ادب به چشم می‌خورد. عباس بن معروف، محمد بن علی اباسمینه، ابوطاهر رازی، موسی بن قاسم بن معاویه ابن وهب بجلی، یونس بن عبدالرحمن، ادریس بن فضل بن سلیمان خولانی که عمدتاً در

زمره صحابیان امام رضا و امام جواد علیهما السلام به شمار می‌آیند، آثاری به نام «الادب»، «الاداب» و «الاداب و المواعظ» از خود به یادگار گذاشتند.

در همین سده، «جاحظ (م ۲۵۵)» تدوین ادب را وجهه همت خویش قرار داد؛ گرچه ادب در نگاه وی، ادب عام بود، یعنی به‌گزینی از همه دانش‌ها به جای تخصص‌گرایی در یک دانش به حساب می‌آمد و ادب را مقوله‌ای در مقابل علم تعریف می‌کرد که سودای فراگیری همه دانش‌ها، اما به صورت کم عمق و گزینشی را داشت. (شیرزاد، ۱۳۹۶ش، ص ۱۱۷). اما باید اذعان کرد که با وی و در زمانه او ادب‌پردازی شیوع پیدا کرد و اخلاق عام که به نوعی همان ادب اخلاقی است، در کتب و رسائلش به‌ویژه «المحاسن والاضداد» چهره نمود.

بر تارک این قرن، کتاب پیربگ و زرنگار احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۷۴) با نام «محاسن» می‌درخشد که حدوداً مشتمل بر ۱۰۰ کتاب بوده و سوگمندانه فقط ۱۱ کتاب آن در دسترس است، که حدود ۲۷۰۰ روایت دربردارد.

«ابن قتیبه دینوری (م ۲۷۶) صاحب عیون الأخبار» معاصر با «برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰)»، «مبّرّد (م ۲۷۶)»، «بخاری (م ۲۵۶)» و «مسلم (م ۲۶۱)» است که این دو تن اخیر، کتابی با عنوان «الآداب» را در «صحاح» خویش آورده‌اند. افزون بر آن بخاری اثری به نام «الادب المفرد» در اخلاق و آداب، مشتمل بر ۶۴۴ باب نوشته است. «حارث بن اسد محاسبی (م ۲۴۳)» به عنوان بازگوکننده آموزه‌های اخلاقی پیامبر ﷺ و سلم و صحابه است. او نخستین کسی است که کتاب «آداب النفوس» را در زمینه ادب دینی در ۲۸ فصل نگاشت. وی در این کتاب در کنار فقه اعمال جوارح ظاهری، فقه اعمال قلبی و باطنی را عرضه می‌کند. گستره این اثر اخلاق درون شخصی و نیز اخلاق قدسی است. (فلاح، ۱۴۰۲ش، ص ۱۳۱). «ادب النفس» برقی متأثر از او است. «ابن ابی الدنیا (م ۲۸۱)» زیاده بر نگارش کتابی مستقل با عنوان «الادب»، به تألیف بیش از چهل رساله پیرامون موضوع متنوع اخلاق و ادب دینی همت گمارد. ابوبکر بن ابی شیبه (م ۲۳۵) صاحب کتاب «الادب»، ابوعبیده قاسم بن سلام (م ۲۳۵) مؤلف «آداب الاسلام» و... رهروان این مسیر بوده‌اند. پهنه این آثار و موضوعات به قرن چهارم کشیده شد. در همین قرن، «ادب رفتاری»

در دو قالب «محاسن و مساوی» و «آداب» شکل گرفته بود. «محمد بیهقی (اوایل قرن ۴)» کتابی دارد به نام «المحاسن و المساوی»، «محمد بن اسحاق بن یحیی م ۳۲۵» در «الموشی» یا «الظرف و الظرفاء» - که قبل از کلینی درگذشته - به ادب رفتاری پرداخته است. (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۵، ص ۲۹۸ - ۳۰۸)

علی بن احمد کوفی (م ۳۵۲) اثری به نام «الاداب و مکارم الاخلاق» دارد. از دیگر مؤلفان در این زمینه، از ابوالحسن عامری (م ۳۸۱) صاحب کتاب «السعادة و الاسعاد» و «الأمد علی الأبد»، باید نام برد که این اثر مشتمل بر مواعظ و حکم حکما از زمان لقمان تا عصر خود او بوده است.

اثرپذیری کلینی از گفتمان ادب را، به ویژه «برقی» که به گونه‌ای، راند این جریان محسوب می‌شود، می‌توان در کتاب «العشرة» دید. مطالب زیر بر این نظر گواه اند: فراوانی ادب‌نویسان در قرن چهارم و رواج آثار آنان در زمان زیست کلینی (۲۶۰ - ۳۲۹ ق)، تعلق برقی به جریان فکری ادب و اشتهاوی به «مودب»، اعتماد فراوان کلینی در تدوین کافی به وی به گونه‌ای که از «محاسن» برقی به «ابوالکافی» یاد شده است، ابواب موجود و مفقود «المحاسن» مانند: المحبوبات، المکروهات، مکارم الاخلاق، مذام الاخلاق، مکارم الافعال، مذام الافعال، کتاب السفر، کتاب المرافق و... هم‌سویی عناوین برخی از ابواب کتاب «العشرة» با ابواب «المحاسن» مانند: باب «حسن المعاشرة» با باب «ادب المعاشرة»، باب «الدعابة و الضحک» با باب «الدعابة و المزاح» و...

این تأثیر بیشتر آنجا چهره می‌گشاید که برقی، افزون بر خویشاوندانش در بوم قم، به تأدیبات دیگر قمیان مبادرت ورزیده (شیرزاد، ۱۳۹۶ ش، ۱۲۵)، که از آن میان نام‌هایی چون: «اسماعیل بن عبدالله» از مشایخ کلینی (العمیدی الحسینی، ۱۳۸۷، ص ۱۸۵)، «علی بن حسین سعدآبادی» از رجال «عده کافی» که کلینی به واسطه آنها از برقی روایت کرده؛ به چشم می‌آید.

اطلاق عنوان: «المودب» بر برخی از رجال قمی مثل: ابن بظه، محمد بن عبدالؤمن، موسی بن محمد اشعری، علی بن حسین سعدآبادی و... بر شکل‌گیری جلسات متنوع تأدیبات در قم گواهی می‌دهد.

دانستنی است؛ عنوان «المحاسن» در جریان فکری ادب، عنوانی آشنا می‌بود که در زمانه برقی به گونه‌ای خاص از آثار اهل ادب اطلاق می‌شده است. در این قسم از تألیفات، مؤدبان می‌کوشیدند خوبی‌ها و بدی‌های یک یا چند رفتار را ذکر کنند و ادب‌اندوزان را با منافع و مضار آنها آشنا سازند.

چنین بر می‌آید با توجه به رواج و جایگاه «الادب المفرد» بخاری در عصر کلینی و هم‌نامی برخی از باب‌های کتاب «العشرة» با کتاب یادشده مانند: «باب العطاس»، «باب التسليم على النساء»، «باب حق الجار» و... و همچنین نظر به تناظر ابواب «العشرة»، با جوامع روایی عامه که به برخی از آنها اشاره رفت و نیز با عنایت به تأخر زمانی کلینی وی، فی الجمله نگاهی به این آثار داشته است.

### ۱۱. متن کاوی کتاب «العشرة»

کلینی با تأسی از جریان ادب و برای پاسخ به نیازهای عصر خود، کوشید با مراجعه به تراش غنی روایی به استخراج آدابی از آموزه‌های دینی همت گمارد. وی در فرآیند اهتمام‌ورزی به مقوله اخلاق و ادب، افزون بر توزیع و درج احادیث مرتبط با آن در دیگر کتب اصول، فروع و روضه کافی، کتابی مستقل را در پایان کتاب‌های اصول با عنوانی بایسته با روایات مکتوب ناب و گوهرهای مکنون نایاب به جلوه در آورد.

کلینی در مقدمه با استناد به آیات قرآن استدلال می‌کند که اهالی خرد باید با سؤال از دانشیان و از طریق ادب و تعلم، خود را پذیرای معرفت دین کنند. وی باورهای دینی و توحیدی را حقیقت فراموش شده حیات فردی و اجتماعی می‌داند و در صدد ارائه سیمایی منسجم از یک شخصیت سالم و مطلوب بر می‌آید.

وی شمای زیبایی از «حسن محضر» و نیکی احوال و رفتار و آینده‌ها و روندها را در این سفر مبارک به زیبایی در جان و ضمیر مخاطب به تصویر می‌کشد.

بسامد واژه: «ادب»، «آداب»، «مودب» را در مقدمه کافی ببینید: «إذ قد خلَقَهُم خَلَقَةً غَيْرَ مُحْتَمِلَةٍ لِلْأَدَابِ وَالتَّعْلِيمِ... وَجَعَلَ بَقَاءَ أَهْلِ الصَّحَّةِ وَالسَّلَامَةِ بِالْأَدَابِ وَالتَّعْلِيمِ... وَفِي جَوَازِ ذَلِكَ بَطْلَانُ الْكُتُبِ وَالرِّسْلِ وَالأَدَابِ وَفِي رَفْعِ الْكُتُبِ وَالرِّسْلِ وَالأَدَابِ فَسَادِ

التدبیر... فلما لم یجز بقاؤهم الا بالادب و التعليم، وحب انه لا یبد لكل صحیح الخلفه کامل الآله من مودب و دلیل و مُشیر و امیر و ناه و ادب و تعلیم...» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۱۱-۱۳) این جملات، مخاطب را در انتظار دریافت مؤلفه‌های ادب و تبیین آن و ارائه تصویری از یک جامعه سالم و پویا می‌گذارد.

خواننده با گشودن کتاب «العشرة» با گستردگی چشمگیر موضوعات آن مواجه می‌شود؛ موضوعاتی که می‌تواند قلمرو رفتار و گفتار وی را شکل دهد و شاکله اخلاقی وی را رقم زند و افق‌هایی را فراید وی در سیر و سلوک بگشاید.

کلینی در کتاب «العشرة» مبانی انسان‌شناسی و به‌گونه‌ای طبقه‌بندی صفات و رفتار آدمیان و هندسه اسلامی و اصیل ساختمان حیات انسان و جامعه را به تصویر می‌کشد. وی پایداری و استحکام رابطه‌ها را در سایه رعایت نکاتی می‌داند که برگرفته از حقوق متقابل افراد جامعه است. در اینکه چگونه باید زیست و چه‌سان با دیگران رابطه داشت. وی بر این باور است که در جامعه اسلامی و انسانی جز با مراعات دیگران و رعایت حقوق ایشان، وضع رفتاری سامان نمی‌یابد. این حقوق باید شناخته و شناسایی شوند، به آنها عمل شود و عمل هم دوسویه و متقابل باشد. کلینی اساس کمال و رشد فرد و جامعه را در فراشد و پایش رفتارهای آنها می‌داند و به خوبی از این تصویر مهم در کتاب «العشرة» برمی‌آید.

کتاب «العشرة» واگویه تعامل انسان با انسان است. با کند و کاو در این کتاب می‌توانیم حلقه‌های مفقوده روابط سالم اجتماعی را بیابیم و راهکارهای عملی و کاربردی برون‌رفت از بحران‌های نوع‌زیستی را دریابیم. «العشرة» کنش هوشمندانه کلینی به نیازهای اخلاقی عصر خود و قابل تعمیم به همه اعصار و امصار است.

این کتاب را باید کتاب اخلاق کاربردی دانست که شاخه‌ای از اخلاق هنجاری است و به دلیل تمرکز بر جزئیات و تلاش برای حل معضلات اخلاقی، از دو شاخه فرااخلاق و نظریه‌های هنجاری متمایز می‌گردد.

او در این کتاب، ابتدا رفتارها را در دو گروه مثبت و منفی جای می‌دهد: «باب من یجب من المعاشره»، «باب من یجب مصادفته و مصاحبته»، «باب من تکره مجالسته و مراففته».

کاربست واژه «یجب» در باب‌های آغازین این کتاب، مانند «باب ما یجب من المعاشرة» و «باب من یجب مصادقته و مصاحبته» و نیز باب ۸ و ۱۶ و عدم استفاده آن در دو کتاب «الدعاء» و «فضل القرآن» و همسانی آن از حیث تعداد با استعمال آن در کل کتب اصول کافی قابل تاقل است، و حاکی از اهمیت نگره کلینی به روابط اجتماعی است. حتی اگر بپذیریم وی از «وجوب»، معنای لغوی آن را اراده کرده باشد.

«حسن المعاشرة» را در کانون رفتارها و آداب جای می‌دهد و سپس در یک سیر قابل تحسین با رویکرد اهتمام‌ورزی به روابط اجتماعی، مهرورزیدن با مردم را تحت عنوان باب «التحیب الی الناس و التودد الیهم» مطرح می‌کند. به عقیده او، ابراز محبت و آگاهاندن علاقه خود به دیگران، روابط دوستانه را استوارتر و نیرومندتر می‌سازد. لذا بابی با نام «إخبار الرجل أخاه بحُبه» می‌گشاید و در پی آن باب «التسليم» جلوه‌گری می‌کند. یعنی نخستین نشانه صداقت و مودت را سلام دادن و به دنبال آن مصافحه می‌داند، زیرا پیوندهای اجتماعی با «سلام» بروز و ظهور می‌یابد. با همین نگاه، سلام نمودن بر زنان و چگونگی سلام بر اهل کتاب و مشرکان و پاسخ سلام آنها را در دو باب جداگانه بیان می‌کند.

چشم‌پوشی از لغزش‌های دیگران را گامی دیگر در تداوم ترابط اجتماعی به شمار می‌آورد. بدین منظور باب «الأغضاء» را در پس باب‌های مربوط به سلام کردن می‌آورد. «تسمية العاطس» را از اقسام تحیت‌ها محسوب می‌کند و آن را نسبت به سایر ابواب فربه‌تر می‌سازد. شاید علت وزیدگی این باب، رفع خرافه‌هایی باشد که نسبت به عاطس در زمانه او وجود داشته است.

در باب «وجوب اجلال ذی الشیبة المسلم» اکرام شخص کریم را از قائمه‌های اخلاق و ادب برمی‌شمارد و از این روی، بابی به همین نام را در توالی باب‌ها می‌آورد. رعایت ادب و مقتضای حق‌شناسی را نسبت به کسی که عمری را سوخته و ساخته و موی خویش در راه عبادت سپید کرده است، تکریم و تبجیل وی می‌داند. لذا بابی به نام «اکرام الکریم» فراروی مخاطب می‌گشاید.

حفظ حریم خانه و زندگی در تصحیح معاشرت، اهمیتی برای کلینی دارد که بابی به نام «حق الداخل» به آن اختصاص می‌دهد. بازگو نکردن چیزی از گفتار و رفتار که در یک

مجلس گفته می‌شود یا رخ می‌دهد، اجتناب از نجوا و درگوشی سخن گفتن را مغلّ روابط سالم اجتماعی می‌داند و با ذکر باب‌های «المجالس بالامانه» و «المناجاه»، آدمی را از آن برحذر می‌دارد.

آداب نشستن را از جلوه‌های بارز اخلاق معاشرت به حساب می‌آورد و بدین منظور باب «الجلوس» را در حوزه رفتارها، مهارت‌ها و آداب اجتماعی ذکر می‌کند. مزاح را به عنوان لازمه زندگی اجتماعی و برخورداری از ارتباطات سالم با پرداختن بابتی با عنوان «الدعابة و الضحك» شناسانده است.

در باب «حق الجوار» به بازدهی عمرانی و اجتماعی سلوک شایسته در همسایگی و هم منافع شخصی و بهداشت روانی اشاره می‌کند. «حُسن الجوار زیادة فی الاعمار و عمارة الدیار» (حدیث ۳۷۶۲). سپس محدوده حقوق همسایگان را با باب «حدّ الجوار» عقیب آن می‌آورد. و حقوق هم‌رهان را با عنوان باب «حسن الصحابه و حق الصحاب فی السفر» در این گرامی کتاب جا می‌دهد.

نهی از سوزاندن نوشت افزارهایی که کلمه علیای خداوند و احسن الحدیث الهی بر آن نقش بسته، با تعبیر «باب النهی عن احراق القراطیس المکتوب» در طبق آوری لمعات کتاب پرتوافکنی می‌کند.

### نتیجه

آن چه کلینی در کتاب «العشرة» بدان می‌پردازد، واگویه‌گر شرایط، خلأها و نیازهای زمانه خویش است. به نظر می‌رسد وی با تأثر از گفتمان جاری «ادب» و «مودّیین» در دوران زیست خود، توانسته است تصویری واضح از سلوک رفتاری «انسان آرمانی» با پرداختن به مؤلفه‌های ادب ارائه دهد که برگرفته از آموزه‌های وحیانی است.

اهتمام‌ورزی وی به مقوله ادب و اخلاق در جای جای کتاب کافی عیان است؛ اما طرحی نو در انداخته، یعنی گنجاندن موضوع آداب رفتاری در قالب یک کتاب مستقل، آن‌هم در ردیف کتب اصول، که در میان پیشینیان و همگنان وی مسبوق به سابقه نبوده است، و بدین سان اهمیت آن را دوچندان می‌کند.

## فهرست منابع

- بخاری، محمد، بی تا، صحیح البخاری، بیروت، دارالمعرفه.
- بهبودی، محمد باقر، ۱۳۶۳، گزیده کافی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ترمذی، محمد بن عیسی، ۱۴۱۸ق، سنن الترمذی، دمشق، الیمامه.
- تستری، محمد تقی، ۱۴۱۰ق، قاموس الرجال، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- دارمی، عبدالله، بی تا، سنن دارمی، بیروت، دارالفکر.
- زمخشری، محمود، ۱۴۲۹ق، اساس البلاغه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- شریعتمداری، علی، ۱۳۶۷، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، امیرکبیر.
- شیرزاد، محمد حسن و محمد حسین، ۱۳۹۶، جریان فکری ادب و بازخوانی دلایل اخراج و بازگشت احمد برقی به قم، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره ۳، ص ۱۳۶ - ۱۰۹.
- صفی پور، عبدالرحیم، ۱۳۸۸، منتهی الأرب فی لغة العرب، تهران، دانشگاه تهران.
- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، مجمع البحرين، مصحح: احمد حسینی اشکوری، تهران، مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، الفهرست، تحقیق: الجواد القیومی، قم، نشر الفقاهه.
- العمیدی الحسینی، ثامر، ۱۳۸۷، حیاة الشیخ محمد بن یعقوب کلینی، قم، دارالحدیث.
- فلاح، رستم، ۱۴۰۲، اخلاق پژوهی در جهان اسلام تا سده ششم هجری قمری، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- قُشیری نیشابوری، مسلم، ۱۴۰۷ق، صحیح مسلم، بیروت، موسسه عزالدین.
- قنبری، محمد، ۱۳۸۷، شناخت نامه کلینی و کافی، قم، دارالحدیث.
- کُتانی، عبدالحق، ۲۰۱۲م، المغنی معجم اللغة العربیة، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ق، کافی، قم، دارالحدیث.
- مامقانی، عبدالله، ۱۴۱۱ق، مقیاس الهدایه فی علم الدرایه، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- مجلسی، محمد باقر، ۱۳۶۳، مرآة العقول، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مدیرشانه چی، کاظم، ۱۳۹۳، درایه الحدیث، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- موسوی بجنوردی، کاظم، ۱۳۷۵، دائره المعارف بزرگ اسلامی، تهران، حیثان.
- نجاشی، احمد بن علی بن احمد، بی تا، رجال النجاشی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.